

## خانم رابین رایت (خبرنگار روزنامه لوس آنجلس تایمز)

از کشور: آمریکا / رشته تخصصی: خبرنگار / تاریخ مصاحبه: ۱۳۷۳/۸/۳۰

موضوع: مکتب تشیع در رویارویی با مدرنیته و دموکراسی<sup>۱</sup>

○ رایت: در خصوص دو موضوع می‌خواهم از شما سؤال کنم:

- ۱- اسلام با عقاید مدرن سیاسی چگونه برخورد می‌کند و نظرش نسبت به عقاید سیاسی چیست؟
  - ۲- نظر خود شما درباره اسلام و دموکراسی چیست؟ آیا این دو با یکدیگر سازگارند یا خیر؟ این که در غرب گفته می‌شود: «دموکراسی نمی‌تواند در فرهنگ‌های شرق نفوذ کند»، نظر شما در مورد آن چیست؟
- جعفری: در خصوص برخورد اسلام با عقاید مدرن سیاسی می‌توان گفت که مکتب اسلام از دیدگاه تشیع، از پنج رکن اساسی تشکیل شده است:

ارکان اسلام از دیدگاه تشیع

- ۱- اصول عقاید.
  - ۲- اخلاقیات.
  - ۳- موضوعات و پدیده‌های زندگی.
  - ۴- احکام اولیّه.
  - ۵- احکام ثانویّه.
- اینک، هر کدام از آن‌ها را توضیح می‌دهم، زیرا بدون این تقسیم‌بندی اساسی نمی‌توان درباره شیعه اظهار نظر کرد.

○ رایت: من در زمینه ایدئولوژی مطالعاتی داشته‌ام و زمینه قبلی دارم. اگر امکان دارد، به علت ضیق وقت، مطالب را خلاصه‌تر بفرمایید.

● جعفری:

- ۱- اصول عقاید. از آن جا که این اصول مستند به حکم عقل و وجدان بشری است، بنابراین، هرگز تغییرپذیر نیست. اگرچه بهره‌برداری اشخاص به نسبت درجه‌های اندیشه، تعقل و وجدان آن‌ها می‌باشد، ولی اصول عقاید تغییرناپذیر است، هم چون توحید (وجود خدا)، ابدیت، نبوت و رسالت پیغمبران. این اصول با هیچ تحولی دگرگون نمی‌شود.

۱- خانم رابین رایت کتابی به نام «شیعیان مبارز راه خدا» نوشته‌اند که به فارسی نیز ترجمه شده است.

۲- اخلاقیات. اصول اخلاق، مستند به وجدان و زیبایی‌هایی روحی انسانی و شایستگی‌های ارتباط انسان‌ها با یکدیگر است. اصول اخلاق، هر چند برخی مواردش در اقوام و ملل متفاوت است، ولی باز غیر قابل تغییر و تحوّلند. به عنوان مثال، حق‌شناسی که در آمریکا و اروپا یک شرایط خاص دارد، در کشورهای اسلامی دارای شرایطی دیگر می‌باشد، ولی چون یک معنای اخلاقی است، برای ما قابل قبول است. یا نوع دوستی که شکل‌های آن در میان اقوام و ملل متفاوت است، در حقیقت یک نوع مفهوم کلی است که برای شیعه صد در صد قابل قبول است.

۳- موضوعات و پدیده‌های زندگی. اسلام در واقع اکثر مسلمانان و مکتب تشیع، موضوعات را به کلی به اختیار مسلمانان گذاشته است. یعنی: تمام انسان‌ها در انتخاب موضوعات مختارند، مگر آن‌که کسی بخواهد مرتکب پدیده‌های ممنوع شود، مانند تولید مواد مخدر و مضر برای زندگی بشری، اختلافات اجتماعی و...

اگر مواد مضرّی وجود نداشته باشد، بقیه موضوع‌ها به اختیار خود انسان‌هاست و به اصطلاح دموکراسی وجود دارد. تعبیر دموکراسی در این جا هیچ مانعی ندارد. به عنوان مثال، ضرورت علم در اسلام به عنوان یک تکلیف مطرح شده، اما این‌که شکل دانشگاه‌ها، دبیرستان‌ها و آزمایشگاه‌ها به چه صورت باشد، به طور کلی به اختیار مردم است. آن‌چه به ضرورت‌های بشری مربوط باشد، انتخاب شکلش برای بشر کاملاً آزاد است.

○ رایت: تشخیص مضر بودن این فعالیت‌ها بر عهده مردم است، یا مقامات مذهبی که در رده‌ها و مراتب بالای جامعه هستند؟

● جعفری: این تشخیص بر دو نوع است:

الف، شناخت موضوعات که به متخصصان جامعه، اهل خبره و کارشناسان مربوط است.

ب، نیازهای اصلی و ثابت که جنبه روحی و متافیزیکی دارد، مربوط به خود دین می‌شود و در نوع چهارم خواهیم گفت.

۴- احکام اولیه. این احکام عبارتند از: نیازهای وجود انسان در جهان هستی و در حال ارتباط با خدا. این احکام هیچ‌گاه تغییر نمی‌کنند و انسان‌ها هیچ اختیاری در تغییر آن ندارند، مثل نماز که نیاز اصلی انسان‌ها بوده و واجب است. یا مثل روزه، حج و غیر آن، جزو واجب‌های اساسی و نیازهای روحی انسان‌هاست که تغییرناپذیرند. هم‌چنین است پدیده‌های ممنوع که موجب فساد مادی یا معنوی می‌باشند. البته اشخاص در حالت‌های اضطرار، گرفتاری، بروز حوادث مهم و غیر آن، می‌توانند با لحاظ امکانات و توانایی‌ها به آن‌ها عمل کنند، ولی این اصول در حالات طبیعی تغییرناپذیرند.

○ رایت: آیا مورد آخر که فرمودید، همان تقیه است؟

● جعفری: خیر، برای آن‌که ذات انسان از گذرگاه زندگی - چون ما معتقدیم دنیا معبر و گذرگاه است - عبور کند و به تکامل برسد و نیز برای به ثمر رسیدن روح، وجود این احکام تا آن‌جا که بشر قدرت داشته باشد، ضروری است. یعنی: تا جایی که از انجام واجبات به بشر (خود و جامعه)، ضرری نرسد.

توضیح: همان‌گونه که دانشمندان غربی نیز می‌دانند، اسلام این دنیا را منزل آخر نمی‌داند، زیرا برای زندگی هدف تعیین کرده است. بنابراین، یک سلسله تکالیف برای روح انسانی معین کرده است تا انسان بتواند به مسیر تکاملی خودش برسد. به عنوان مثال، پرهیز از قتل نفس، قمار، ظلم، تعدی، شهوترانی و ... به اصطلاح

اصول ریاضی: این را باید به عنوان «آکسیوم» پذیرفت. به عبارت دیگر: شخص با این شرایط، اسلام را پذیرفته است و این احکام تغییرناپذیرند.

۵- احکام ثانویه. به خاطر بروز و ظهور تحولات در شئون ظاهری بشر، امکان وقوع مسائل جدید نیز وجود دارد. در این موارد، حاکم اسلامی می‌تواند مطابق مصلحت حکم کند و زمانی که حوادث برطرف شدند، مردم به احکام ثابت اولیه برگشت داده می‌شوند، نظیر قضیه تنباکو که آیه‌الله میرزای شیرازی حکم به حرمت استعمال آن دادند، و هنگامی که علت برطرف شد، استعمال تنباکو به حکم اولی خود - که جواز (رفع حرمت استعمال) بود - برگشت.

ظهور موج مدرنیته در دنیای امروز، از دیدگاه شیعه باید با این پنج رکن سنجیده شود و همان‌گونه که مدرنیته به اصول ریاضی راهی ندارد، به اصول عقاید ما نیز راهی نخواهد داشت. در خصوص اخلاقیات لازم به توضیح است: چون ما اخلاق را «الهی» می‌دانیم، نه گرفته شده از اجتماع، پس اخلاق تغییرپذیر نیست و به اصطلاح فلسفی، پیشرو است نه پیرو. اخلاق پیشرو یعنی: به علت وجود اصول عقاید و رسیدن انسان به انسانیت خود، باید به این اصول اخلاقی عمل شود.

به عنوان مثال، نوع دوستی که قضیه‌ای اخلاقی و پیشرو است، به خاطر علاقه ما به انسانیت - که اخلاق الهی است - ما هم‌نوعان خود را دوست خواهیم داشت، و هر اندازه هم که برخی فلاسفه بگویند: «اقویاء باید در دنیا بر ضعیفان غلبه کنند»، ما نخواهیم پذیرفت، زیرا برای ما یک اخلاق الهی است و نخواهیم گذاشت مختل شود. به عنوان مثالی دیگر: فرض کنید شیعه موفق به کشف داروی سرطان شود. قاعده حفظ نفوس (انسان‌ها) که اساسی‌ترین مسئله اخلاقی الهی است، ما را وادار می‌کند آن را در اختیار تمام شرق و غرب قرار دهیم و به منفعت‌طلبی (یتلیتاریانیسم) و ... توجه نکنیم.

اگر مدرنیته بخواهد به متن تشیع راه پیدا کند، ممکن است به شکل‌های این مسائل وارد شود، ولی نه به جوهر آن. به عنوان نمونه، در مورد نوع دوستی، فرض کنید در نقطه‌ای سیل جاری شود. بی‌تردید، باید با هواپیما یا وسایل مدرن کمک‌رسانی را انجام داد، نه با حیوانات. اگر مقصود از مدرنیته، حفظ اصل قضایای انسانی و تفاوت در روش‌های اجرا باشد، ما از آن تبعیت می‌کنیم، ولی اصول را از دست نمی‌دهیم.

همان‌گونه که اصل دفاع از حیات در عالم جانداران و انسان‌ها همیشه حاکم است و شکل‌های آن متفاوت است، در اخلاقیات نیز ما به این مسئله معتقدیم که اصول غیر قابل تغییرند. همان‌گونه که در حیات انسان‌ها، دفاع از حیات مهم است، تکمیل نفس و به رشد رساندن آن نیز قواعدی دارد که بسیار مهم است.

به نظر می‌رسد، به هر دو سؤال شما (مدرنیته و دموکراسی) تا حدودی پاسخ داده شد.

○ رایت: علاقه‌مند هستم پارامترهای مشترک اسلام، مدرنیته و دموکراسی را بدانم.

● جعفری: مطالب این مسئله خیلی پیش از این، شاید حدود چهل و پنج سال پیش، به وسیله مرحوم آقای راشد مطرح شده است و به علت مطرح بودن آن، چه در این‌جا و چه در غرب، جوابش معلوم و روشن بود و جواب‌های مبسوطی توسط آقایان داده شده است. یک سری از مطالب ایشان قابل قبول است. به عنوان مثال، مسئله اختلاف برداشت‌ها که از دوران قدیم برای صاحب‌نظران مورد قبول است، مطلب خاصی در آن وجود ندارد، ولی اصول کلی مورد قبول مکتب تشیع، همان پنج رکن است که گفته شد.

○ **رایت:** آیا سیستمی که هم‌اکنون در جمهوری اسلامی ایران وجود دارد، ایده‌آل است؟ از آن‌جا که اسلام یک سیستم قابل انعطاف و تغییرپذیر است، آیا جایی برای تغییرات در آینده وجود دارد؟

● **جعفری:** در دوره‌های مختلف از حکومت‌های اسلامی، دیده شده که توانایی صد در صد برای اجرای احکام ایجاد نشده است و این جای تردید نیست. دلیل عمده آن هم این است که اسلام بر مبنای فطرت بوده، مخالف هوی و هوس است. بسیاری از انسان‌ها به دنبال هوی و هوس، لذت‌پرستی، خودخواهی، سلطه‌گری و ... در دنیا بوده‌اند. بنابراین، در دوره‌های مختلف، امکان پیاده شدن صد در صد احکام و قوانین انسانی - الهی اسلام ایجاد نشده است. این‌که جای تغییرات در آینده وجود دارد یا خیر، به عقیده مسلمان‌ها، اسلام با توجه به پنج رکنی که گفته شد، پذیرای حقایق جدید است، به شرط آن‌که به اصول صدمه‌ای وارد نشود. اسلام و حکومت اسلامی، تکنولوژی و ارتباطات با جوامع و ... را می‌پذیرد، ولی تا آن‌جا می‌پذیرد که در زندگی هماهنگی ایجاد نماید. یعنی: سیستم تا جایی «باز» است که برای حیات انسان‌ها مفید باشد. اگر در ارتباطات، همزیستی عادلانه و آزادی مسئولانه مراعات شود، همان‌گونه که تاریخ نشان می‌دهد، اسلام پذیرای آن است. به عنوان مثال، این هماهنگی در طول تاریخ میان اهل کتاب (مسیحیت و یهود) و ارباب ادیان با اسلام دیده می‌شود.

در تطبیقی که میان مواد حقوق بشر غرب و اسلام انجام شده، تنها در پانزده درصد از موارد با هم مغایرت دارند و در بقیه موارد مشترکند.

یعنی: توافق‌های ما، بیش‌تر از مغایرت‌هاست. از این‌رو، ما آماده‌ایم بر سر همان مغایرت‌ها نیز بحث و گفت و گو کنیم. بر اساس تحقیقی که چند سال روی آن کار کرده‌ام، اقوام و ملل می‌توانند با یکدیگر زندگی کنند. حال، هر کدام یک سری احکام برای خود دارند، مثل حج و ... که منافاتی با حقوق حیات نخواهد داشت.

بنده هنگامی که در جلسات بین‌المللی حقوق بشر شرکت می‌کنم، می‌بینم اگر بخواهیم در اصول با هم زندگی کنیم، چند درصد اختلافات دیگر نیز قابل حذف هستند.

به عنوان مثال، در آزادی بیان، نظر ما به چه میزان است، یا در مسائل عبادی و ... همان ده یا پانزده درصد می‌تواند ما را به یکدیگر نزدیک‌تر کند تا یک همزیستی عادلانه با هم داشته باشیم.

○ **رایت:** به نظر من شروع خوبی بود. واقعاً شروع از نقطه صفر است. امیدوارم در سفرهای بعدی خدمت‌تان برسم و این بحث را ادامه دهیم.

● **جعفری:** همه ما از دیدگاه مذهب، یک پدر مشترک داریم و او حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام است. حضرت ابراهیم علیه السلام، بزرگ مسلمانان و مسیحیت و یهود است. ما اگر بخواهیم با هم زندگی کنیم، باید پیرامون این پیامبر بزرگ را بگیریم تا ببینیم نظرش برای زندگی بشر چیست؟ زیرا *انجیل*، *قرآن* و *تورات*، او را قبول دارند. پس بیایید یک تجدیدنظر در خصوص این پدر بزرگ داشته باشیم تا ببینیم چه می‌گوید؟ این مطلب را نیز به کسانی که از حقوق بشر سازمان ملل به این‌جا آمده بودند، گفتم. البته مقداری کار و تحقیق می‌خواهد و نمی‌دانم چرا با وجود این چنین عامل مشترکی، کشف اتحادها به تأخیر افتاده است؟

○ **رایت:** من با شما موافقم و انعطاف اسلام را بیش‌تر از دریافت خودم تاکنون می‌بینم.

● **جعفری:** امیدوارم تلاش‌های ما مقرون به اخلاص ادامه یابد.